

فوتبال

مظلومی – تیم ملی جوانان باکدام معیار؟

● سرمربی سابق آبی‌ها بعد از چهار سال استراحت و در اواسط دهه هفتم زندگی خود، هدایت تیم ملی جوانان را برعهده گرفته که طبق اطلاعات موجود، برای هر دو طرف ریسک بزرگی دارد؛ چراکه در نهایت فدراسیون فوتبال در موفقیت‌ها کنار آنها خواهد بود و در هنگام شکست هر دو تبدیل به سیل انتقادات می‌شوند. به گزارش ایسنا، کمیته فنی و مسئولان فدراسیون فوتبال بعد از حدود یک ماه بررسی و تبادل، به اتفاق روی نام پرویز مظلومی، سرمربی سابق تیم ملی جوانان، به توافق رسیده‌اند و اگرچه هنوز درباره حضور او در تیم ملی به صورت رسمی اطلاع‌رسانی نشده است؛ اما هم مظلومی این موضوع را تأیید کرده و هم اینکه او یکشنبه در جلسه با مسئولان فدراسیون فوتبال حاضر بود. این انتخاب سؤالاتی را برای هر طرفدار فوتبالی مطرح می‌کند که فدراسیون فوتبال چطور به پرویز مظلومی رسید و چه هدفی را از این انتخاب دنبال می‌کند؟ آیا این تصمیم حاصل کارشناسی و برنامه‌ریزی بلندمدت است یا از روی ناچاری صورت گرفته است؟

چندی پیش حمید استیلی، عضو کمیته فنی فدراسیون فوتبال از راینی با سرمربیان سابق تیم‌ها، مانند منصوریان، پیروانی و… برای قبول هدایت این تیم گفته بود؛ چراکه آنها به علت فعالیت در این حوزه شناخت لازم را از فوتبال پایه داشتند؛ اما هیچ‌یک از این مربیان به علت عملکرد فدراسیون در سال‌های گذشته و خالی‌کردن پشت مربیان بعد از یک ناکامی و حمایت‌نکردن تیم‌های ملی، حاضر به قبول این پیشنهاد نشدند. در نهایت پرویز مظلومی که سابقه زیادی در مربیگری دارد، به‌عنوان گزینه نهایی انتخاب شد که سؤالاتی را به دنبال داشته است.

پرویز مظلومی در فوتبال ایران نام کوچکی نیست و سابقه دوران مربیگری و به‌ویژه بازیگری او به حدی است که او را باید جزء اسطوره‌های استقلال و حتی تیم ملی دانست. او با قبول هدایت تیم ملی جوانان که به قول خودش اصلا درباره مباحث مالی صحبت نکرده و فقط به دنبال موفقیت تیم ملی جوانان است، چند ریسک بزرگ را به جان خریده که ممکن است به ضرر اعتبار او تمام شود. **چرا مظلومی انتخاب مناسبی برای فوتبال پایه نیست؟**

پرویز مظلومی سال‌ها در فوتبال ایران مربیگری و در تیم‌های مختلف ازجمله ابوسلم، صیابتری، صنعت نفت، آلمونیم هرمزگان، مس کرمان و استقلال تهران و همین‌طور تیم ملی «ب» خدمت کرده است، اما در هیچ مقطعی، سابقه فعالیت و کار برای رده جوانان را نداشته است. آیا این نکته مهم، می‌تواند روی کار مظلومی در تیم ملی جوانان تأثیر منفی بگذارد؟

از طرفی مظلومی از سال ۹۵ تاکنون و به دنبال اخراج از تیم استقلال دیگر روی نیمکت تیمی در لیگ برتر ننشسته است. در شرایطی که برای چهار سال متوالی هیچ‌یک از ۱۶ مدیر حاضر در لیگ برتر حاضر نشده‌اند هدایت تیم‌شان را حتی به طور موقت به مظلومی واگذار کنند، فدراسیون فوتبال از روی چه حساب‌وکتایی او را سرمربی یکی از مهم‌ترین تیم‌های پایه کشور کرده است؟ پرویز مظلومی در حالی با ۶۶ سال سن، عهده‌دار تیم ملی جوانان شده که میانگین سنی مربیان پایه در همه کشورهای توسعه‌یافته بیش از ۵۰ سال نیست و آنها به علت نیروی جوانی و انگیزه بالا، وقت زیادی را صرف فعالیت و آموزش به بازیکنان جوان در بعد خود شخصیتی و فنی می‌کنند و حتی برای رسیدن به این سطح از دانش، دوره‌های گوناگونی را پشت سر می‌گذارند.

ناگفته نماند که این انتخاب برای سرمربی سابق استقلال هم خوب نیست، چراکه تجربه نشان داده فدراسیون نگاهی مختصرانه به سرمربیان تیم‌های پایه ندارد. درحالی‌که ویلموتس دو میلیون یورو گرفته (حدود ۵۰ میلیارد تومان) و درخواستی غرامت شش میلیاردیورویی (۱۵۰ میلیاردتومانی) هم کرده، سرمربی سابق تیم ملی جوانان به علت پرداخت‌نشدن قراردادش کارش را رها کرد.

تصمیمی بحث‌برانگیز برای جوانان ایران

تیم‌های رده سنی فوتبال ایران سال‌هاست با سوءمدیریت فدراسیون فوتبال به آنچه شایسته‌اش هستند، دست نمی‌یابند. از تیم امید که نیم‌قرنی می‌شود رنگ المپیک را ندیده، تا تیم‌های نوجوانان و جوانان که نه در برابر قدرت‌های آسیا؛ بلکه در برابر تیم‌های درجه‌چند آسیایی نیز تحقیر می‌شوند.

تیم ملی جوانان تا سه ماه دیگر باید به ازبکستان برود و با تیم‌های آماده آسیایی که در رده پایه به‌مراتب از ایران بهتر و جلوتر هستند، دیدار کند و دراین‌بین فقط استعداد بازیکنان ایرانی است که به کار فوتبال ایران می‌آید؛ چراکه در گذشته بیش از اینکه مربیان روی موفقیت تیم‌ها تأثیر بگذارند، این نبوغ ایرانی بوده که موفقیت‌های اندکی را رقم زده است.

این قبیل انتخاب‌ها، میراثی دیگر از فدراسیونی است که بیش از چهار سال قبل به مدیرانی سپرده شده که در این سال‌ها دست‌آورد مهمی نداشتند و حاصل عملکردشان مجموعه‌ای از بدهکار و نابسامان است.

مجری توهین می‌کند، تلویزیون پخش می‌کند!



پخش تلویزیونی مسابقه فوتبال ایران و عراق

هنوز زمان زیادی از قهرمانی پرسپولیس در لیگ نوزدهم نمی‌گذرد که حواشی‌اش سر از تلویزیون درآورده و باعث دلخوری سرخپوشان شده است! ماجرا مربوط به رفتار دو مجری در شبکه‌های یک

و سه سیماست که یکی روی آنتن زنده و دیگری در صفحه مجازی‌اش قهرمانی پرسپولیس را به سخره گرفته‌اند؛ اولی آن را به مسعود سلطانی‌فر و وزارت ورزش ربط داده؛ ولی دیگری، توهین زشتی کرده که خشم هواداران، مسئولان و بازیکنان باشگاه پرسپولیس را برانگیخته است.

صبح روز گذشته، عبدالرضا امیراحمدی، در بخش ورزشی برنامه صبحگاهی شبکه اول سیما، با عنوان مثالی، به همان شایعه‌ای که هواداران استقلال این روزها به آن معتقد هستند (پرسپولیس از وزارت ورزش قهرمان کرده است) دامن زد. او به کنایه دراین‌باره گفت: «با سلام خاص خدمت همه باباها، در تابستان‌های قدیم باباها به کاسب‌های محل می‌گفتند فرزندم کار کند و آخر ماه این بابا پولی به اوستا می‌داد که به فرزندش بدهد که فرزند فکر کند خودش کار کرده است. یا بعضی باباها جوازیر خریداری می‌کردند و به مدارس می‌دادند که سر صف فرزندان‌شان را تشویق کنند، حالا جایش را که گرفته بود؟... هشتک...بابا مسعود...و دست همه باباها و بزرگ‌ترا درد نکند!»

طعنه او اشاره مستقیمی به این شایعه دارد که جام قهرمانی پرسپولیس که چهارمین جام متوالی آنها در لیگ برتر بود، با حمایت مسعود سلطانی‌فر، وزیر ورزش به دست آمده است. این بخش از صحبت‌های او صبح روز گشته در فضای مجازی

بازتاب زیادی داشت تا اینکه مدیر روابطعمومی باشگاه پرسپولیس به آن واکنش نشان داد و گفت اگر مجری مذکور در تلویزیون عذرخواهی نکند، رسماً باشگاه از او شکایت می‌کند.

امیراحمدی عصر روز گذشته نه در تلویزیون؛ بلکه در فضای مجازی ویدئویی منتشر کرد و از هواداران باشگاه پرسپولیس عذرخواهی کرد و گفت که حرف‌هایش فقط یک کل‌کل ساده بوده است؛ نکته عجیب اینکه او گفت به جای اینکه نگران بازگشتن دلار به کانال ۲۴ هزارتومانی باشیم، به این مسائل پرداخته شده تا به‌نوعی گمراه شویم! صحبت‌های این مجری در شبکه یک سیما در حالی خشم پرسپولیسی‌ها را برانگیخته است که دو روز قبش، علی مرادی، یکی از مجریان شبکه سه، استوری‌ای منتشر کرد و با کنایه به قهرمانی پرسپولیس در توهینی زشت نوشت: «وقتی پای اسب را ببندی، خر قهرمان می‌شود». او اسب را به رنگ آبی و خر را به رنگ قرمز در استوری‌اش منتشر کرد تا هیچ شک و شبه‌ای باقی نماند.

مرادی البته برای سومین‌بار بود که به پرسپولیسی‌ها می‌تاخت؛ او که ظاهراً علاقه‌اش به استقلال زایدالوصف است، پیش‌تر و زمانی که در شبکه هرمزگان هم برنامه داشت، در گفت‌وگو با مهران غفوریان، موفقیت‌های پرسپولیس را حاصل زدوند و دست‌های پشت پرده و حمایت‌ها دانسته بود. بار دیگری هم که او پرسپولیسی‌ها را به سخره گرفته بود، مربوط به بازی این تیم در لیگ قهرمانان آسیا با الهلال بود که عنوان کرده بود «این بازی قرار است از شبکه نسیم پخش شود». اگرچه توهین تازه

عجیب‌وغریب آن مجری، استوری‌ای منتشر کرد و حسابی از تلویزیون انتقاد کرد. استوری‌ای که نوید محمذاده، بازیگر مطرح سینمای ایران هم آن را منتشر کرد. در بخشی از آن استوری، وریا به صداسوسیم‌ا تاخت و نوشت: «صداسوسیم، سازمانی (است) که متأسفانه خیلی وقت است بسیاری از مخاطبانش را از دست داده و شاهد ریزش هرچه بیشتر مخاطبانش هستیم. در این سازمان به صورت واضح شاهد حضور افرادی هستیم که هنوز از نظر شعور و درک به بلوغ نرسیده‌اند؛ چه پرسد که بتوانند در جایگاه مجری، برنامه‌ای درخرو شان مردم ایران اداره کنند». مجری مذکور که به‌شدت تحت فشار و انتقاد قرار گرفته بود، بعدها به صورت رسمی از هواداران استقلال عذرخواهی کرد.

باین‌حال شاید مشهودترین توهین مجریان تلویزیون به استقلال مربوط به علی ضیا باشد؛ توهینی که البته در تلویزیون رخ نداد. از او ویدئویی منتشر شد که بعد از داریی ۸۱ فرط خوشحالی بالاپایین می‌پرد و به پرویز مظلومی، سرمربی وقت استقلال توهین می‌کند. پخش آن ویدئو، دردرس‌های زیادی را برای ضیا به همراه داشت. او با وجود عذرخواهی چندبار، از حضور در برنامه‌ها منع شد و تا مدت‌ها هیچ برنامه‌ای در تلویزیون نداشت. چند ماه بعد، ضیا با بازگشتش به تلویزیون این بار از پرویز مظلومی دعوت کرد تا روبه‌رویش بنشیند و نشان دهد دکورت‌ها از بین رفته است.

دلخوری بازیکنان از تلویزیون

اینها فقط نمونه‌های بارزی از شوخی‌ها، توهین‌ها یا شاید «خامی» مجریان جوان تلویزیون نسبت به چهره‌ها و باشگاه استقلال و پرسپولیس بوده‌اند. پرواضح است که این روند قطع نشده و بعید است به این زودی‌ها هم از تلویزیون برچیده شود. با وجود آنکه از بین رخ‌داد اول تا همین نمونه آخر که روز گذشته رخ داده، فاصله زیادی وجود دارد؛ ولی مجریان درسی نگرفته‌اند و به رفتارهای عجیب‌وغریب‌شان در جایی که احتمالاً بیننده زیادی دارد، ادامه می‌دهند. البته مخاطب و هواداران دو باشگاه یادشده، قادر به تشخیص کری‌خوانی و توهین هستند و ناراحتی آنها از سلاطین رنگی همه مجریان تلویزیون نیست؛ نتیجه این شوخی‌ها بعضاً زنده، اما ایجاد فاصله بیشتر بازیکنان این دو تیم با صداسوسیم‌ا است؛ پشی از راه دور به او برنامه بدهد. قهرمان پرتاب دیسک کشور یک ماسازور خارجی هم دارد که او نیز ۳۳ هزار دلار از فدراسیون طلب دارد. البته مبینی در مدت کوتاهی که در این فدراسیون بوده، توانسته بخشی از حقوق معوقه او را نیز پرداخت کند. با همه اینها باید گفت احسان حدادی تک‌ستاره تاریخ دوومیدانی ایران از گذشته تا شیعو کرونا فعلاً شرایط رفتن به آمریکا را ندارد. اینها همه در حالی است که بنا بر ادعای حدادی، فدراسیون دوومیدانی از مهر سال گذشته نتوانسته حقوق این مربی را بدهد. مهدی مبینی، سرپرست فدراسیون دوومیدانی، می‌گوید با تأمین اعتبار لازم، حقوق این مربی را که

موافقان و مخالفان حدادی، رودرویی هم

جنجال برای سفر و خار پاشنه

خاطر پروازهایی هم که به مسابقات جهانی و اردوهای برون‌مرزی‌اش دارد، مورد غضب واقع شده است. اینکه چرا حدادی باید همه سفرهایش، قهرمان پرتاب دیسک کشور پرواز بیزینس‌کلاس برود. احسان حدادی در دو سال اخیر با «مک ویلکینز»، مربی صاحب‌نام آمریکایی، تمریناتش را پشت سر گذاشته و در این مدت به صورت مقطعی اردوهایش را در آمریکا برگزار کرده است. البته در هشت ماه گذشته از «مک» برنامه گرفته است و با اوضاع ارز را برای حدادی از کشور خارج کند؛ البته یک‌سری گوشه‌وکنایه‌ها هم خطاب به احسان از هیئت اجرایی بیرون آمد که نشان دهد حرف‌وحديث‌هایی که ورز زبان خانواده دوومیدانی است و در رسانه‌ها هم مطرح می‌شود، در تصمیم‌گیری آنها بی تأثیر نبوده است؛ اینکه گفته می‌شود حدادی نقش یک توریست را در دوومیدانی دارد. هر زمان که بخواید، به بهانه اردو و مسابقه، اروپا، آفریقا و آمریکا را دور می‌زن. حالا هم چون مدتی است از کشور بیرون نرفته، به خاطر عمل خار پاشنه‌اش می‌خواهد سفر برود. رازنده تنها

ماهان‌ه پنج هزار دلار است، بپردازد. مک با حدادی توافق کرده که درحال‌حاضر بدون گرفتن هیچ حقوقی از راه دور به او برنامه بدهد. قهرمان پرتاب دیسک کشور یک ماسازور خارجی هم دارد که او نیز ۳۳ هزار دلار از فدراسیون طلب دارد. البته مبینی در مدت کوتاهی که در این فدراسیون بوده، توانسته بخشی از حقوق معوقه او را نیز پرداخت کند. با همه اینها باید گفت احسان حدادی تک‌ستاره تاریخ دوومیدانی ایران از گذشته تا شیعو کرونا فعلاً شرایط رفتن به آمریکا را ندارد. اینها همه در حالی است که بنا بر ادعای حدادی، فدراسیون دوومیدانی از مهر سال گذشته نتوانسته حقوق این مربی را بدهد. مهدی مبینی، سرپرست فدراسیون دوومیدانی، می‌گوید با تأمین اعتبار لازم، حقوق این مربی را که

آگهی مزایده اتومبیل	
موافقـت کرد؛ اما بعد از اینکه در رسانه‌ها این موج به راه افتاد که چه دلیلی دارد، برای انجام یک عمل ساده که هزینه‌اش در داخل پنج میلیون هم نمی‌شود، با دلار ۲۴ هزارتومانی متحمل هزینه‌های گزاف شد، یکباره اعلام شد که خواسته مرد شماره یک پرتاب دیسک ایران اجابت نشده است. اعضای هیئت اجرایی کمیته ملی المپیک در نشست اخیری که داشتند، به‌صراحت اعلام کردند که نمی‌توانند در این وضع و اوضاع ارز را برای حدادی از کشور خارج کنند؛ البته یک‌سری گوشه‌وکنایه‌ها هم خطاب به احسان از هیئت اجرایی بیرون آمد که نشان دهد حرف‌وحديث‌هایی که ورز زبان خانواده دوومیدانی است و در رسانه‌ها هم مطرح می‌شود، در تصمیم‌گیری آنها بی تأثیر نبوده است؛ اینکه گفته می‌شود حدادی نقش یک توریست را در دوومیدانی دارد. هر زمان که بخواید، به بهانه اردو و مسابقه، اروپا، آفریقا و آمریکا را دور می‌زن. حالا هم چون مدتی است از کشور بیرون نرفته، به خاطر عمل خار پاشنه‌اش می‌خواهد سفر برود. رازنده تنها مدال المپیکي و جهانی دوومیدانی ایران خودش در گفت‌وگو با یکی از رسانه‌ها این حرف را تأیید کرده است. او در واکنش به تصمیم هیئت اجرایی می‌گوید: «فکر کوچکی که تنها از آدم‌های کوچک برمی‌آید. درحالی‌که قهرمان دیگر فکر سفر نیست، من در این مدت آن‌قدر سفر رفته‌ام که از آن بیزارم. به من می‌گویند توریست است. اگر من جوان ۱۶، ۱۷ساله بودم که دوست داشتم سفر بروم، یک چیزی؛ اما من ۱۰ تا پاسپورت عوض کرده‌ام و همه جای دنیا برای مسابقه رفته‌ام. همه جای دنیا من را عزت و احترام برای مسابقه دعوت می‌کنند و حتی هزینه‌ها را هم خودشان می‌دهند و در بهترین هتل‌ها از من پذیرایی می‌کنند؛ آن وقت چرا باید برای تفریح بروم آلمان؟ آنها می‌گویند احسان به بهانه جراحی می‌خواهد سفر برود». البته حاشیه‌ها درباره احسان حدادی به همین حرف‌ها ختم نمی‌شود. او حتی به	
موافقـت کرد؛ اما بعد از اینکه در رسانه‌ها این موج به راه افتاد که چه دلیلی دارد، برای انجام یک عمل ساده که هزینه‌اش در داخل پنج میلیون هم نمی‌شود، با دلار ۲۴ هزارتومانی متحمل هزینه‌های گزاف شد، یکباره اعلام شد که خواسته مرد شماره یک پرتاب دیسک ایران اجابت نشده است. اعضای هیئت اجرایی کمیته ملی المپیک در نشست اخیری که داشتند، به‌صراحت اعلام کردند که نمی‌توانند در این وضع و اوضاع ارز را برای حدادی از کشور خارج کنند؛ البته یک‌سری گوشه‌وکنایه‌ها هم خطاب به احسان از هیئت اجرایی بیرون آمد که نشان دهد حرف‌وحديث‌هایی که ورز زبان خانواده دوومیدانی است و در رسانه‌ها هم مطرح می‌شود، در تصمیم‌گیری آنها بی تأثیر نبوده است؛ اینکه گفته می‌شود حدادی نقش یک توریست را در دوومیدانی دارد. هر زمان که بخواید، به بهانه اردو و مسابقه، اروپا، آفریقا و آمریکا را دور می‌زن. حالا هم چون مدتی است از کشور بیرون نرفته، به خاطر عمل خار پاشنه‌اش می‌خواهد سفر برود. رازنده تنها مدال المپیکي و جهانی دوومیدانی ایران خودش در گفت‌وگو با یکی از رسانه‌ها این حرف را تأیید کرده است. او در واکنش به تصمیم هیئت اجرایی می‌گوید: «فکر کوچکی که تنها از آدم‌های کوچک برمی‌آید. درحالی‌که قهرمان دیگر فکر سفر نیست، من در این مدت آن‌قدر سفر رفته‌ام که از آن بیزارم. به من می‌گویند توریست است. اگر من جوان ۱۶، ۱۷ساله بودم که دوست داشتم سفر بروم، یک چیزی؛ اما من ۱۰ تا پاسپورت عوض کرده‌ام و همه جای دنیا برای مسابقه رفته‌ام. همه جای دنیا من را عزت و احترام برای مسابقه دعوت می‌کنند و حتی هزینه‌ها را هم خودشان می‌دهند و در بهترین هتل‌ها از من پذیرایی می‌کنند؛ آن وقت چرا باید برای تفریح بروم آلمان؟ آنها می‌گویند احسان به بهانه جراحی می‌خواهد سفر برود». البته حاشیه‌ها درباره احسان حدادی به همین حرف‌ها ختم نمی‌شود. او حتی به	

موفقیت کرد؛ اما بعد از اینکه در رسانه‌ها این موج به راه افتاد که چه دلیلی دارد، برای انجام یک عمل ساده که هزینه‌اش در داخل پنج میلیون هم نمی‌شود، با دلار ۲۴ هزارتومانی متحمل هزینه‌های گزاف شد، یکباره اعلام شد که خواسته مرد شماره یک پرتاب دیسک ایران اجابت نشده است. اعضای هیئت اجرایی کمیته ملی المپیک در نشست اخیری که داشتند، به‌صراحت اعلام کردند که نمی‌توانند در این وضع و اوضاع ارز را برای حدادی از کشور خارج کنند؛ البته یک‌سری گوشه‌وکنایه‌ها هم خطاب به احسان از هیئت اجرایی بیرون آمد که نشان دهد حرف‌وحديث‌هایی که ورز زبان خانواده دوومیدانی است و در رسانه‌ها هم مطرح می‌شود، در تصمیم‌گیری آنها بی تأثیر نبوده است؛ اینکه گفته می‌شود حدادی نقش یک توریست را در دوومیدانی دارد. هر زمان که بخواید، به بهانه اردو و مسابقه، اروپا، آفریقا و آمریکا را دور می‌زن. حالا هم چون مدتی است از کشور بیرون نرفته، به خاطر عمل خار پاشنه‌اش می‌خواهد سفر برود. رازنده تنها

خبر

سایه بلا تکلیفی بر سر شمشیربازی زنان

● هفت ماه است که فدراسیون شمشیربازی بدون نایب‌رئیس بانوان اداره می‌شود و تا به امروز حرکتی برای رفع این بلا تکلیفی در شمشیربازی بانوان انجام نشده است. به گزارش مهر، کرونا و فراگیری این ویروس باعث رکود فعالیت‌ها و برنامه‌ها در تمام فدراسیون‌ها شده و در کل ورزش را به حالت نیمه‌تعطیل درآورده؛ اما به نظر می‌رسد این موضوع در برخی فدراسیون‌ها مثل «سپهر» شده است برای مخفی‌کردن پرونده‌های به‌جامانده از دوران قبل کرونا و کوتاهی در به‌سرانجام‌رساندن آنها. بعضی از این پرونده‌ها، به فدراسیون شمشیربازی مربوط می‌شود و بخش بانوان این فدراسیون که به دلیل نداشتن نایب‌رئیس، بلا تکلیف و بی‌برنامه‌تر از همیشه شده است. شهناز کرو، نایب‌رئیس فدراسیون شمشیربازی بود؛ البته تا سال گذشته که اعلام استعفا کرد و بعد از پنج سال عطای این پست و دردرس‌هایش را به لقایش بخشید.

کرو که سال ۹۲ به جای زهره کردگاری، همسر بهرام شفیع، مسئولیت مدیریت شمشیربازی بانوان را برعهده گرفت، آبان سال گذشته به اعتراض به کم‌کاری‌ها و بی‌توجهی‌ها به برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌هایش برای اجرایی‌شدن اعلام کناره‌گیری کرد و جالب اینکه ریاست فدراسیون هم خیلی سریع و بدون هیچ تلاشی برای تغییر این تصمیم، آن را پذیرفت. موافقت فضل‌الله باقرزاده، با استعفاي نایب‌رئیس بانوان به قدری سریع و بدون تلف‌شدن وقت انجام شد که گویی گزینه‌ای برای پُرکردن این پست در آب‌نمک داشت؛ اما هفت‌ماهه‌شدن پست خالی نایب‌رئیس‌ی بانوان در شمشیربازی نشان می‌دهد نه گزینه‌ای مدنظر بوده و نه برای سروسامان‌دادن به بلا تکلیفی ناشی از استعفا تلاش جدی شده است.

این در حالی است که از زمان استعفاي شهناز کرو تا اسفند که به خاطر شیوع کرونا، ورزش کشور به طور کلی تعطیل شد؛ فاصله زمانی سه‌ماهه‌ای بود که می‌توانست برای شمشیربازی بانوان پر بار باشد؛ اما این دوره به خاطر نبود تصمیم‌گیرنده مستقیم و پیگیری‌هایش، رونق زیادی برای بانوان شمشیرباز نداشت. از زمان فراگیری کرونا هم شمشیربازی بانوان به طور کامل محو شد و برخلاف خیلی دیگر از رشته‌ها، هیچ خبری از این رشته و بانوان ورزشکارش نیست؛ چراکه هیچ مسئول مستقیمی حضور ندارد که پیگیر مطالبات و برنامه‌های آنها باشد. این در حالی است که کرونا آن‌کس امکان برگزاری اردو و مسابقات را از مدیران ورزشی گرفته، در مقابل این فرصت را به آنها داده تا دست‌کم به برخی کارهای عقب‌مانده رسیدگی کنند و بدون دغدغه پیگیری لازم برای اتخاذ بهترین تصمیم درباره آنها را انجام دهند؛ باین‌حال در فدراسیون شمشیربازی صحبتی از انتخاب نایب‌رئیس جدید بانوان نیست.

البته در دوره‌ای هم که فدراسیون شمشیربازی بی‌بهره از حضور نایب‌رئیس بانوان نبود، با وجود برنامه‌ریزی‌های گسترده و پیش‌بینی اردوها و اعزام‌ها برای بخش بانوان، انتقادهایی متوجه این بخش بود؛ به‌ویژه آن‌که تمرکز اصلی روی اسلحه سابر بانوان بود که اتفاقاً دختر رئیس فدراسیون هم ملی‌پوش آن به حساب می‌آمد. به‌هر حال به صورت لفظی و ظاهری هم که شده، شمشیربازی بانوان برای خود مسئول مستقیمی داشت که بار دغدغه آنها را بیشتر از هر کس‌سی به دوش می‌کشید؛ اما هفت ماه است بانوان شمشیرباز نه چنین مسئولی دارند و نه برنامه‌ای که به امید آن دوره کرونا و محدودیت‌هایش را سپری کنند.

آگهی مزایده اجرائی به شماره پایگانی ۹۸۰۱۸۴۸ (خودرو)	
ثبت و تحت شناسه واريز اعلامی و حضور خریدار يا نماينده قانونی او در جلسه مزایده است لذا خریدار و يا خریداران می بايست تا قبل از شروع وقت مزایده اصل فیش واريزی مبلغ ودیعه ده درصد به نام خود را به همراه درخواست کتبی به واحد اجرا تسليم و ثبت نمايند برنده مزایده مکلف است مابۀ التفاوت مبلغ فروش به حساب صندوق ثبت توديع نمايد و فروش را به حساب سپرده ثبت واريز و به حساب خزانه واريز خواهد شد در این صورت عملیات فروش از درجه اعتبار اسقاط و مزایده تجدید می گردد و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول می گردد این آگهی پس از تایید نهایی فرآیند مزایده و ارسال آگهی در است آگهی های سازمان ثبت قرار خواهد گرفت و به منزله انتشار آگهی در روزنامه کثیرالانتشار محلی است. م الف۱۲۷۸ رئیس اداره پنجم اجرای اسناد رسمی تهران	